



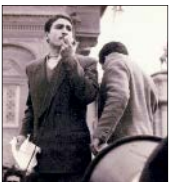
روایت

کسی از نامه خبر نداشت

نوهٔ آیت‌ا... کاشانی ۲۵ سال بعد از آن‌که نامه آیت‌ا... کاشانی را به دکتر مصدق رساند و جوابش را گرفت، این نامه را منتشر کرد و وجود این نامه را به اطلاع عموم رساند. این اتفاق در سال ۱۳۵۷ رخ داد و همین فاصله زمانی سبب شد خیلی‌ها در مورد صحت این نامه دچار تردید شوند، پاسخ او را در این باره بخوانید:

واقعیت این است‌که هیچ‌یک از رسانه‌های گروهی در اختیار ما نبود. اولین باری که امکان چاپ این نامه برایم فراهم شد، سال ۱۹۶۲ بود که احسان طبری داشت کتابی درباره تاریخ معاصر ایران می‌نوشت. من می‌خواستم به آلمان شرقی بروم و کپی این نامه را به او بدهم که در کتابش چاپ کند. اما شهردار شهرمان -که تازه در آنجا مشغول کار شده بودم- اجازه نداد و گفت: پلیس مخفی آلمان تمام کسانی را که به آلمان شرقی می‌روند، قدم به قدم تعقیب می‌کند... و در هر حال مانع شد و من هم پیش احسان طبری شرمنده شدم. بعد شنیدم کتاب «گذشته چراغ راه آینده است» توسط «جامی» چاپ شده است. به شکل مستقلاً جواب این کتاب را دادم و نامه‌ را در آن چاپ کردم. البته آن روزها با رزمت زیاد و فقط حدود ۱۵۰ نسخه از کتابم را در چاپخانه‌ای چاپ کردم که تیراژش ابدا با تیراژ گذشته چراغ راه آینده است» قابل قیاس نبود، اما بعد از انقلاب عده‌ای بدون اجازه من، کتابم را به شکلی که خودشان دلشان می‌خواست چاپ کردند! بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به فکر چاپ این نامه نبودم. اما ظاهراً نامه به دست مرحوم دکتر حسن آیت می‌رسد و در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ می‌کند که مورد انتقاد سردبیر روزنامه یعنی آقای مترسین موسوی قرار می‌گیرد. اینها در همین حد هم تحمل افشای حقایق را نداشتند و ندارند و در عین حال دم از آزادی فکـر و بیان می‌زنند! به هر حال دانشجویان و استادان ایرانی در فرانسه، آلمان و اروپا اصرار کردند اسنادی را که از دوره نهضت ملی در اختیار دارم، منتشر کنم و من هم در کتاب «روحانیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت» این کار را با همکاری چند نفر از استادان دانشگاه انجام دادم. در هر حال کتابی را که ۴۰ سال پیش چاپ کرده و نامه آیت‌ا... کاشانی را در آن آورده بودم، در همان موقع به دایمی‌ام، مهندس احمد کاشانی دادم و کم کم این نامه در سطح وسیع‌تر چاپ و منتشر شد.

چطور دکتر محمود کاشانی که در دانشگاه پاریس درس می‌خواند و دستش برای افشای چنین نامه مهمی باز بود، هیچ‌وقت به این نامه اشاره نکرد؟
برای این‌که از این نامه خبر نداشت! آن روزها به مدرسه ابتدایی می‌رفت و نمی‌توانست در جریان این‌گونه امور قرار بگیرد. پدربزرگم نامه‌های زیادی نوشته بود که کسی از مضمون آنها خبر نداشت. بعد هم در سال ۱۳۳۲ چه کسی خبر داشت که قرار است عده‌ای در آینده کل تاریخ معاصر را وارونه جلوه بدهند؟ خود من هم ضرورتی برای چاپ این نامه نمی‌دیدم تا وقتی که کم‌کم سر و کله مدعیان رنگارنگ پیدا شد! در چنین شرایطی که این‌قدر دروغ بافته می‌شد، چه باید می‌کردیم؟ یعنی حق نداشتیم حتی یک سند را -که سال‌ها در دست داشتیم- منتشر کنیم؟



دکتر محمدحسن سالمی، نوه دختری آیت‌ا... سیدابوالقاسم کاشانی



نوه آیت‌ا... کاشانی

نوه آیت‌ا... کاشانی بعد از کودتای ۲۸ مرداد به خاطر اتهامی که در مورد کشته شدن مرحوم حدادزاده آیت‌ا... کاشانی به او وارد شد ، نتوانست برگه عدم سوء پیشینه بگیرد ولی به‌هر صورت راهی آلمان تحصیلاتش ادامه داد

جناح چپ مخالف تندروی

نوه آیت‌ا... کاشانی معتقد است، اطرافیان او چندان هم یکدست نبوده‌اند. دکتر محمدحسین سالمی که نوه دختری آیت‌ا... ابوالقاسم کاشانی است و نامه آیت‌ا... کاشانی را به دست دکتر مصدق رسانده و از او جواب گرفته، توضیح می‌دهد این اتفاق با تشویق اطرافیان آیت‌ا... صورت گرفت.



«زمینه و پیامدهای نگارش نامه تاریخی کاشانی به مصدق» در گفت وشنود با دکتر محمد حسن سالمی، نوه آیت ا... کاشانی

مصدق را مقصر می‌دانم

شاید اگر بنا باشد با فردی درباره رخداد ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سخن رود، دکتر محمدحسن سالمی، نوه دختری آیت‌ا... سید ابوالقاسم کاشانی یکی از جذاب‌ترین انتخاب‌ها باشد. چه این‌که او همان است که نامه بحث‌برانگیز و پرحالش آیت‌ا... را در عصرگاه ۲۷ مردادم‌ماه برای دکتر مصدق پرده و جواب تاریخی آن را ریز سـانده است. خوشحالم که در شصت و ششمین سالروز این رویداد تاریخی، با وی گفت و شنودی انجام دادم. امید می‌برم که تاریخ پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

محمدرضا کائینی

تاریخ

شما در تاریخ نهضت ملی ایران، با نامه مهم آیت‌ا... کاشانی به دکتر مصدق در ۲۷ مرداد سال ۱۳۳۲ گره خورده‌است. اولاً آیا قبل از آن هم از سوی آیت‌ا... کاشانی برای دکتر مصدق پیام برده بودید و ثانیاً چه شد برای بردن چنین پیام مهمی شما را انتخاب کردند؟

پیش از آن حدود ۹ بار برای دکتر مصدق پیام برده بودم. یک بار هم کسی از آمریکا دو تا قلم خودنویس برای آیت‌ا... کاشانی و دکتر مصدق آورده بود که من خودنویس دکتر مصدق را برایش بردم. موقعی که افتخار بردن نامه ۲۷ مرداد نصیبم شد، مرحوم مصطفی کاشانی فرزند آیت‌ا... و دایمی او مخفی بود. بعد هم از تشکیک‌کنندگان درباره این‌که چرا من نامه را بردم، سوآلی دارم. چطور دکتر مصدق در ۱۲ سالگی می‌توانست مستوفی خراسان شود و من در ۲۱ سالگی نمی‌توانستم نامه‌رسان باشم؟ **با وجود اختلاف عمیقی که بین دکتر مصدق و آیت‌ا... کاشانی ایجاد شده بود، چطور ایشان پذیرفتند به دکتر مصدق نامه بنویسند؟**

ما که آن زمان در جناح چپ بودیم، ایشان را متقاعد کردیم به خاطر مردم و مصلحت کشور این کار را نکنند. طرفداران دکتر مصدق به سرکردگی مرحوم داریوش فروهر، خانه آیت‌ا... کاشانی را سنگباران و عده‌ای از راضمی کرده بودند. در آن غائله مرحوم حدادزاده به ضرب چاقو از پا در آمد و خود مرا به عنوان قاتل دستگیر کردند و عده‌ای جوان بی‌گناه و تحصیلکرده را از کار و زندگی انداختند، در حالی که قاتلان اصلی راست‌راست راه می‌رفتند! در زندان به من بسیار توهین شد. سرم را تراشیدند و از شماره‌های مخصوص زندانی‌ها به سینه‌ام آویزان کردند و عکس گرفتند! سه چهار بار هم بازجویی کردند. وقتی دکتر سنجابی -که با ما نسبت خویشاوندی داشت- تلاش کرد مرا از زندان بیرون بیاورد و نتوانست، سرانجام پیام داد که: دکتر مصدق گفت باید این جوان را در زندان نگه داشت، چون خیلی برای پدربزرگش عزیز است!

بالبین همه فشار چطور آزاد شدید؟

اول یک وجه‌الضمان ۱۵ هزار تومانی برایم برپیدند! دوستان این در و آن در زدند و این وجه‌الضمان را که خیلی هم سنگین بود، فراهم کردند. بعد آنها زند زیر قولش‌ان و وجه‌الضمان را تصاعدی بالا بردند و به ۵۰ هزار تومان رساندند! در نهایت مرحوم محمدعلی گرامی دامادمان چندین قبالة خانه آورد و روی میز دادستان ریخت و گفت: «هر چند تا را که می‌خواهید بردارید!» آنها هم که دیدند هیچ جوری حریف اقوام من نمی‌شوند، آزادم کردند!

بالبین حال مشوق آیت‌ا... کاشانی برای کوتاه آمدن در مقابل دکتر مصدق بودید؟

بله، چون مملکت در معرض خطر جدی بود. آیت‌ا... کاشانی از توهین‌ها و تضییقاتی که

او اضافه می‌کند؛ شاید بشود این‌طور تعبیر کرد که اطرافیان آیت‌ا... کاشانی دو دسته بودند. دایمی مصطفی، شمس قنات‌آبادی، دکتر شروین و چند نفر دیگر جناح راست و من، مرحوم پروفسور خلیلی و برادرم، به سرکردگی مرحوم سید علی مصطفوی -که مدتی مدیرکل بازرسی کشور و بعد هم معاون

دادگستری بود و چند نفر از خواهرزاده‌های آیت‌ا... کاشانی- جناح چپ را تشکیل می‌دادیم.

روش ما مسالمت‌آمیز بود و سعی می‌کردیم جلوی برخی تندروی‌های گروه اول را بگیریم، اما جناح راست چنین دغدغه‌ای نداشت!

فروتنی بیش از حد آیت‌ا... کاشانی



بعد از سال‌های زیادی که از رویداد ۲۸ مرداد می‌گذرد، از نظر دکتر محمدحسین سالمی، پدربزرگش در خط مشی سیاسی خود چه اشتباهی کرد؟

اولین اشتباه پدربزرگم این بود که به خاطر دکتر مصدق، روحانیت را از خود دل‌آزده کرد و محکم جلوی آنها ایستاد! دومین اشتباهش این بود که بیش از حد لزوم در حق دکتر مصدق فداکاری کرد، در حالی که مصدق خیلی به فکر شأن و شؤن خودش بود. در واقع فروتنی بیش از حد آیت‌ا... کاشانی با آن سابقه طولانی مبارزات و پایه علمی بالا، او را قربانی کرد! دکتر مصدق منافع ملی را فدای منافع شخصی خود کرد و تمام سعی و تلاشش این بود که وجه‌المله باقی بماند؛ اما آیت‌ا... کاشانی برای حفظ حقوق ملت از همه چیز حتی از آبروی خود هم گذشت و نیش طعنه‌ها و تهمت‌ها را به جان خرید. ایراد دیگری که می‌شود به آیت‌ا... کاشانی گرفت این است که در خانه‌اش به روی همه کس باز بود، در حالی که دکتر مصدق خیلی حسابرگانه عمل می‌کرد. آیت‌ا... کاشانی فوت و فن‌های سیاسی را خیلی خوب بلد بود، اما سیاه‌بازی‌های سیاسی را نمی‌پسندید. ایشان به‌رغم این‌که سیاستمدار کهنه‌کاری بود، اما اهل حقه بازی سیاسی نبود.

در مورد زاهدی هم اگر از خود جسارت نشان می‌داد، این اتفاق نمی‌افتاد. دکتر مصدق جلوی خیرخواهان واقعی مملکت را گرفت و زمینه را برای جولان دشمنان نهضت ملی فراهم کرد. سال‌ها گذشته و حتی هنوز یک نفر هم نتوانسته با دلایل و مدرک محکمه پسندی اثبات کند که آیت‌ا... کاشانی برای حمایت از کودتا از آمریکایی‌ها پول گرفته است! ایشان کسی بود که وقتی از دنیا رفت، ۱۵ هزار تومان مقروض بود. پول‌های آمریکایی‌ها کجا رفته بود و چرا ورئه ایشان با تنگدستی و فقر دست به گریبان بودند؟

درباره ۲۸ مرداد، در یک کلام به شما بگویم که در آن دوره انگلیس یا شوروی نمی‌توانستند در کشورهایی مورد نظرشان امواج گسترده نارضایتی ایجاد کنند، بلکه می‌توانستند به موج‌های ایجادشده جهت و شکل مورد نظر خودشان را بدهند. بنابراین موجبات سقوط دکتر مصدق را بی انگیزگی خود او برای ادامه حکومت و رفتارهای اطرافیان‌ش رقم زد. یادم‌ان باشد در سال ۱۳۳۲، سازمان سیاتازه تأسیس شده بود و در واقع کودتای ایران، اولین عملیات موفق آن سازمان بود. در آن دوره سیا هنوز آن قدرها مأمور ورزیده و زبده نداشت که بتواند دست به اقدامات وسیع بزند و یک دولت را طی یک روز تغییر بدهد. سرنوگونی دولت مصدق قبل از هر چیز مرهون مساعدت‌های خود او و عوامل داخلی اکمل و آمریکا در ایران بود. مردم دیگر حوصله تحمل دولت و مدارا با او را نداشتند و دکتر مصدق و جبهه هم ملی توانایی اداره امور را نداشت. به قول جلال آل احمد، «تنها برنده کودتای ۲۸ مرداد شخص دکتر مصدق بود که با سقوط یک دولت ناتوان و رو به نابودی از خودش برای همیشه قهرمان ساخت»!

برخی معتقدند سؤولیت‌های مهم بعد از پیروزی انقلاب، به دست حامیان آیت‌ا... کاشانی است. پس چرا علیه فروهر به دلیل حمله به منزل آیت‌ا... شکایت نکردند؟

اولاً تمام طرفداران مصدق بر ارکان حکومت بعد از انقلاب تسلط داشتند. دست کم در دوره مهندس بازرگان که این‌گونه بود، ثانیاً چه کسی می‌توانست علیه داریوش فروهر -که وزیر

بود- شکایت کند؟ قتل او و همسرش واقعا فاجعه و بسیار دردآور بود، اما یادم‌ان باشد دنیا دار مکافات است و باید بگویم که عامل کشته شدن مظلومانه مرحوم حدادزاده به دست ارادل و اوپاشی که آن شب خانه آیت‌ا... کاشانی را سنگباران کرده بودند، به طرز فجیعی از بین رفت! «ا ماست که بر ماست» **در اروپا فعالیت سیاسی هم داشتید؟**

خیر، خیلی‌ها دعوت‌م می‌کردند، ولی من نمی‌رفتم. می‌خواستم تحصیل کنم و از سیاست هم سرخورده شده بودم و دیگر به هیچ کس اعتماد نداشت‌م رشت‌های هم که برای تحصیل انتخاب کردم، پزشکی بود که کوچک‌ترین ربطی به سیاست و اقتصاد نداشت. وقتی به یاد پدربزرگم می‌افتادم که عمری با استعمار انگلیس جنگیده و یکی از بزرگ‌ترین نهضت‌های معاصر ایران را رهبری کرده و سرانجام چنین سرنوشتی را پیدا کرده بود، دندان تحصیل در رشته‌های سیاسی، حقوقی و اقتصادی را کندم.

از کی دوباره شروع به فعالیت سیاسی کردید؟
بعد از اتمام تحصیل و اخذ درجه دکترا. از روزی که دکتر مصدق راهش را از پدربزرگم جدا کرد و به بیراهه رفت، اسناد و مدارک زیادی گردآوری کرده بودم. بعد از اتمام تحصیلات و مخصوصا پس از بازنشستگی در سال ۱۹۹۵، تمام وقتم را صرف پژوهش‌های تاریخی کردم.

پوشیده بود، دستگیر می‌کردند و ناگهان در شهر شایع شد که توده‌ای‌ها را دارند می‌گیرند!

می‌خواستند فردای آن روز کسی جرات نکند به خیابان بیاید و مقاومت کند. کاملاً دقیق و حساب‌شده برنامه‌ریزی کرده بودند.

در واقع نیرویی هم در صحنه باقی‌نمانده بود که بتواند مقاومت کند! این‌طور نیست؟

مهم‌ترین نیرو، شخص آیت‌ا... کاشانی بود که به یمن می‌فکری‌های دکتر مصدق و خیانت‌های حزب توده، ترور شخصیت شده بود و به قول مرحوم امام خمینی وقتی یک بار وارد مجلسی شد، حتی یک نفر هم به خودش زحمت نمی‌داد جایش را به ایشان بدهد! ایشان می‌گفتند: من خودم در مجلسی بودم و دیدم آیت‌ا... کاشانی وارد شد و کسی اعتنا نکرد، من بلند شدم و جای خودم را به ایشان دادم... گستره تبلیغات علیه ایشان تا این حد بود که از سطح رهبر نهضت ملی تا اینجا رسیده بود!

از روز ۲۸ مرداد می‌گفتید.

بله، وقتی شلوغی و ازدحام را در خیابان‌ها دیدم، به خانه پدربزرگم برگشتم و دیدم آیت‌ا... کاشانی از اوضاع داخل شهر کاملاً بی‌خبر است! رادیو هم داشت راجع به کشت و زر ع برنامه پخش می‌کرد!

مگر رادیو دست دولت نبود؟

چرا، رادیو دست دکتر مصدق و افرادش بود، با این همه یک کلمه حرف نزنند که مباد مردم از وضعیتی که داشت پیش می‌آمد، آگاه شوند.

تازه اگر هم کسی سعی می‌شود را به رادیو برساند و این کار را انجام بدهد، مانع می‌شدند!

مثلاً مانع چه کسانی می‌شدند؟

پیدا کردن نام‌هایشان کار سختی نیست. برخی از وفادارترین یاران دکتر مصدق هم از این وضعیت به ستوه آمده بودند. مهندس زیرک‌زاده نقل می‌کند که در یکی از دیدارها با مصدق، دکتر قاضی عصبانی می‌شود و از اتاق دکتر مصدق بیرون می‌آید و فریاد می‌زند: «این پیرمرد آخرش همه ما را به کشتن می‌دهد!»

برخی از افراد آیت‌ا... کاشانی و عده‌ای دیگر را به گرفتن پول از «سیا» و حمایت از کودتای ۲۸ مرداد متهم می‌کنند. این جریان تبلیغی در سالیان اخیر عمق و گستره بیشتری هم پیدا کرده‌است. در این باره چه دیدگاهی دارید؟

این حرف‌ها در ادامه همان ترور آیت‌ا... کاشانی در ماه‌ها و روزهای قبل از ۲۸ مرداد است. هواداران دکتر مصدق در روزنامه‌ها، علیه شخصیت‌های مؤثر نهضت ملی به‌خصوص آیت‌ا... کاشانی، موج افترا به راه انداختند. بعد هم با سنگباران خانه آیت‌ا... کاشانی، حرمت‌شکنی را به حد اعلا رساندند و اکثر مریدان و حامیان او را به زندان انداختند، طوری که خانواده‌های آنها محتاج خرج روزانه‌شان شده بودند! در روزهای منتهی به ۲۸ مرداد، پلیس مخفی دکتر مصدق دنبال راپورت جمع کردن علیه آیت‌ا... کاشانی بود و مصطفی کاشانی در خفا و دکتر بقایی در زندان بودند. این قضیه تا بعد از فرارندم و انحلال مجلس ادامه پیدا کرد. در آن روزها تیمسار زاهدی در مجلس تحت نظر و به قول دکتر بقایی در چنگ دولت بود. چرا وقتی دکتر معظمی او را ماشین رئیس مجلس از مجلس بیرون می‌برد، دکتر مصدق به یکی دو نفر از هوادارانش نسیپرد که ماشین را تعقیب کنند و ببینند کجای می‌رود؟

شما دکتر مصدق را در این ماجرا مسؤول می‌دانید؟

بالتر از مسؤول، مقصر می‌دانم! اگر او مجلس را آلت دست خودش نکرده بود و دامن اختیارات نمی‌گرفت و مجلس قدرت کافی داشت، می‌توانست مثل دوره قوام السلطنه عکس‌العمل به موقع و محکم نشان دهد.

درك تظاهرات متضاد دکتر مصدق



برخی معتقدند چون محمدحسین سالمی، نوه آیت‌ا... کاشانی است، در نوشته‌هایش بی‌طرفی را رعایت نمی‌کند. پاسخ او به این برداشت چیست؟
طبیعی است که به خاطر علاقه و ارادتی که به پدربزرگم دارم نگاه جانبدارانه است، اما همواره تلاش کرده‌ام در نوشته‌هایم برای این سوآلات اساسی پاسخ‌های درخوری پیدا کنم که آیا بستن مجلس توسط دکتر مصدق کار درستی بود؟ آیا انجام رفتارند لازم بود؟ آیا گرفتن اختیارات مفید بود؟ دکتر مصدق ۴۰ روز در آمریکا بود و حتی یک بار هم غش نکرد، اما در ایران که بود، تا می‌گفتی بالای چشمتم ابروست غش می‌کرد! همیشه در رختخواب بود و از دیگران در همان جا پذیرایی می‌کرد، اما در روز ۲۸ مرداد دیوار راست را گرفت و بالا رفت و حتی یک لحظه هم سرش گیج نرفت! این تظاهرات متضاد همواره برایم پرسش ایجاد می‌کرد و دنبال پاسخ آنها بودم. باید برای این پرسش‌ها پاسخ قانع‌کننده‌ای پیدا می‌کردم که چرا به مردم خبر نداد چه اتفاقاتی دارد می‌افتد؟ چرا توسط روزنامه‌ها و اعضای حزب توده، با شایعات کثیف تمام رجالی را که می‌توانستند در روزهای بحرانی مددکارش باشند، لجن مالی کرد و از چشم مردم انداخت؟ من به علت خویشاوندی و علاقه به آیت‌ا... کاشانی، البته به اسناد و خاطراتی دسترسی داشته‌ام که دیگران فقط وصف‌شان را شنیده یا تصویرشان را دیده‌اند. بعد هم صرف خویشاوند کسی بودن که نباید آنها را از نوشتن درباره یک رجل سیاسی بزرگ منع کرد؟ اگر این‌طور بود دکتر غلامحسین مصدق هم نباید درباره پدرش کتاب می‌نوشت. بماند که انصافاً کتابش را اثر منصفانه‌تر بی‌طرفانه‌تر از پدرش نوشته است! به نظر من هنگام قضاوت درباره یک اثر تاریخی، باید به محتوا و صحت و سقم آن دقت کرد، نه به پیوندهای خویشاوندی مؤلف و موضوع کتاب.